**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

جلسه70 – 22/ 1/ 1397 **کتاب العدد/ آیات عدّه در قرآن/ آیه 234 سوره بقره**

خلاصه:

استاد گرامی در جلسه گذشته کلام رمانی درباره وصیت قبل از موت را مطرح کردند و در نهایت قائل به استحباب نفقه و سکنی برای زن شدند و نیز به بحث ادبی درباره بازگشت ضمیر به مبتدا پرداختند. ایشان در این جلسه به بررسی مفهوم داشتن یا نداشتن فان خرجن می‌پردازند و ضمن بررسی روایات دال بر عدم مطلوبیت حداد بیـش از 4 ماه و 10 روز، کیفیت جمع آن‌ها را با آیه شریفه بیان می‌کنند. هم‌چنین ملاک بودن روز یا شب را برای مدت عده بررسی می‌کنند.

**مفهوم نداشتن ﴿فَإِنْ خَرَجْنَ﴾**

بخشی از بحث مربوط به آیه شریفه آیه 240 سوره بقره مانده بود که آن را تکمیل می‌کنیم و بعد به آیه 234 برمی‌گردیم. آیه 240 می‌فرماید: **﴿وَ الَّذینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً وَصِیَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَی الْحَوْلِ غَیْرَ إِخْراجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ فی‏ ما فَعَلْنَ فی‏ أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ﴾.**[[1]](#footnote-1) آیا **﴿فَإِنْ خَرَجْنَ فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ فی‏ ما فَعَلْنَ فی‏ أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ﴾** مفهوم دارد؟ آیا اگر زن‌ها از خانه شوهرانشان که از دنیا رفته‌اند خارج نشوند، **فعلیکم الجناح فیما فعلن فی انفسهنّ** و شما باید جلوی آن‌ها را بگیرید؟ به نظر می‌رسد که این جمله در مقام مفهوم نیست ولی با این حال نکته‌ای از آن استفاده می‌شود که در بحث ما مفید است. نکته این است که کسی که در خانه شوهرش باقی می‌ماند، می‌خواهد با ازدواج نکردن، ترک تزین و... نسبت به شوهر سابقش احترام نگاه دارد و اگر کسی می‌خواهد حداد را رعایت نکند خارج می‌شود. در نتیجه ان خرجن وصف محقق موضوع است. پس اصلاً انگیزه متعارف برای ازدواج و زینت وجود ندارد و تحقق خارجی پیدا نمی‌کند تا بگوییم جایز است یا حرام. این آیه شریفه در مورد کسی است که می‌خواهد در خانه شوهر باشد و 1 سال حداد نگاه دارد و ازدواج نکند و ناظر به نفقه دادن نیست و این موضوع را باید از جای دیگری استفاده کرد.

**عدم مطلوبیت حداد بیش از 4 ماه و 10 روز**

از بعضی روایات استفاده می‌شود که اصلاً حداد بیش از 4 ماه و 10 روز چیزی شبیه حرمت و کراهت شدیده دارد. بنابراین شاید تنافی عرفی داشته باشد که شارع مقدس از طرفی فرموده باشد بیش از 4 ماه و 10 روز حداد نگه ندارید و از طرف دیگر برای کسی که حداد نگه می‌دارد حقی قائل شده باشد. ابتدا روایاتش را می‌خوانم و بعد در مورد جمع این‌ها صحبت می‌کنم.

در باب حداد که در مورد عده وفات است سه روایت وارد شده است.

**روایت اول**

سند روایت اول این است: **سعد عن محمد بن أبی الصهبان عن الحسن بن علی بن فضال** سعد، سعد بن عبد الله است. شیخ طوسی; به سعد بن عبدالله طریق صحیح دارد و علاوه بر این از کتب مشهوره است که نیاز به طریق ندارد. البته ما به طور کلی لازم نمی‌دانیم و بین مشهوره و غیر مشهوره فرق نمی‌گذاریم. محمد بن أبی الصهبان، محمد بن عبدالجبار است که از اجلای ثقات است. حسن بن علی بن فضال فطحی ثقه است، **عن عبد الله بن بکیر** که فطحی ثقه است، **عن محمد بن مسلم قال لیس لأحد ان یحد أکثر من ثلاث الا المرأة علی زوجها حتی تنقضی عدتها**.[[2]](#footnote-2) البته روایت موقوفه است. قبلاً در باره اعتبار روایات موقوفه مفصل صحبت کردیم و ما بین روایت‌های موقوفه و روایت‌های مضمره فرق می‌گذاریم و روایت‌های مضمره را حجت می‌دانیم ولی روایت‌های موقوفه را حجت نمی‌دانیم مگر مطمئن باشیم که از متن حدیث است. با توجه به روایت‌های دیگری که با همین تعبیر وجود دارد، بعید نیست که در خصوص این مورد انسان مطمئن شود که از امام صادق7 است. **قال لیس لأحد ان یحد أکثر من ثلاث الا المرأة علی زوجها حتی تنقضی عدتها** هیچ کس حق ندارد بیشتر از 3 روز حداد کند. حداد به معنی درآوردن لباس زینت و پوشیدن لباس عزا است.[[3]](#footnote-3) **الا المرأة علی زوجها حتی تنقضی عدتها** مگر زن بر شوهرش که آن هم تا انقضای عده یعنی 4 ماه و 10 روز است.

**روایت دوم**

روایت بعدی مرسله است. **أحمد بن محمد بن عیسی عن أبی یحیی الواسطی عن بعض أصحابنا**. ابی یحیی الواسطی را یادم نیست که توثیق می‌کنیم یا خیر ولی این روایت مرسله است. **عن أبی عبد الله7 قال یحد الحمیم علی حمیمه ثلاثا والمرأة علی زوجها أربعة أشهر وعشرا**.[[4]](#footnote-4) دوست بر دوست 3 روز حداد می‌کند و زن بر شوهرش 4 ماه و 10 روز. این جا که می‌فرماید حداد زن بر شوهرش 4 ماه و 10 روز است که می‌دانیم واجب است، آیا در مقام بیان این است که برای دوست هم 3 روز واجب است یا در مقام نفی زائد است؟ ظاهراً در مقام نفی زائد است و می‌خواهد بفرماید بیش از 3 روز حق ندارد و مضمونش مانند روایت قبلی است، چون حداد رفیق بر رفیق واجب نیست.

**روایت سوم**

روایت عوالی اللئالی: **قال النبی9 لا یحل لامرأة تؤمن بالله والیوم الآخر ان تحد لمیت أکثر من ثلاثة أیام الا**

**علی زوج أربعة أشهر وعشرة أیام**.[[5]](#footnote-5) کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد حق ندارد که بیشتر از 3 روز بر میّتی عزاداری کند و لباس عزا بپوشد، مگر زوج به مدت 4 ماه و 10 روز ولی بیش از آن مجاز نیست. در بین این روایات روایت اول از جهت سندی موثقه و از جهت دلالی اوضح است.

از این روایات استفاده می‌شود که حداد بیش از 4 ماه و 10 روز جایز نیست و در مقابل از آیه شریفه برداشت می‌شود که اگر زن بخواهد تا یک سال حداد کند، نفقه و کسوه به او بدهید و بگذارید عزاداری کند. من تصور می‌کنم که خیلی روشن نیست که آیه شریفه مربوط به حداد باشد و موضوع روشنِ **﴿فی‏ ما فَعَلْنَ فی‏ أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ﴾** ازدواج است. به خصوص که این آیات نسبت به حرّه و أمه اطلاق دارد در حالی که حداد در مورد حرّه است و بر أمه واجب نیست. حداد حکم دیگری است که روایات آن در باب مفصلی آمده است. تصورم این است که فی انفسهنّ در مورد چیزی است که مربوط به خودشان است یعنی دادن اختیار خود به دیگران که مربوط به ازدواج است. ظاهراً این آیه می‌فرماید در ایام عده زن حق ندارد در مورد اختیارداری خودش تصمیم بگیرد زیرا کسی که ازدواج می‌کند نوعی سلطه برای شوهر بر خودش قائل می‌شود. آیه تربّص می‌فرماید سلطه در ایام عده مجاز نیست و این آیه هم می‌فرماید وقتی که در خانه نشسته است یعنی نمی‌خواهد ازدواج نکند و اگر بیرون رفت دیگر حق دارد ازدواج کند و به او کاری نداشته باشید. پس این آیه منافاتی با روایات ندارد. حداد یک چیز است و ازدواج نکردن هم چیز دیگری است. حال اگر بعد از 4 ماه و 10 روز ازدواج نکرد و در خانه شوهرش ماند، حق استحبابی دارد که از خانه و نفقه استفاده کند. اگر حق استحبابی ثابت شود، در صورتی که بین ورثه صغیر یا مجنون نیز باشد این حق ثابت است.

یکی از مشکلات جدی این است که آیا وقتی که هنوز ارثیه تقسیم نشده و صغیر در ورثه وجود دارد، زن می‌تواند از این خانه بهره‌مند باشد؟ افرادی که به این مسئله توجه دارند سعی می‌کنند که از حاکم شرع نسبت به آن صغیر اجازه بگیرند. من تصور می‌کنم با توجه به این آیه شریفه در طول یک سال تا قبل از ازدواج اصلاً اشکال ندارد که زن از خانه و نفقه استفاده کند. البته خوب است که ورثه احتیاط کنند و حق صغار و مجانین را رعایت کنند.

مرحوم شیخ طوسی در تبیان می‌فرماید: **و اما الوصیه مستحبه عندنا**.[[6]](#footnote-6) ایشان وصیت را به معنای ایصاء میت گرفته و فرموده مستحب است که وصیت کند تا زن یک سال استفاده کند. استحباب از خود این آیه درآمده است و این جور نیست که مفاد این آیه معرض عنه باشد و کسی به آن فتوا نداده باشد. در این جور موارد که اصلش یک امر استحبابی است و در بعضی از شقوق به امر وجوبی می‌رسد، عدم تعرض فقها نسبت به آن،

دلیل قابل قبولی نیست به خصوص اگر خیلی‌ها تصور کرده باشند که این آیه منسوخ است و وارد بحث آن نشده‌اند.[[7]](#footnote-7)

**روز یا شب**

بحث دیگر این است که از آیه شریفه استفاده می‌شود که عده 4 ماه و 10 شب است در حالی که در کلمات فقها مکرر آمده است که عده 4 ماه و 10 روز است. من فرصت نکردم که تمام کلمات فقها را ببینم ولی بعضی را که دیده‌ام عرض می‌کنم.

همه موارد را به ینابیع فقهیه آدرس می‌دهم. در فقه الرضا: ینابیع جلد 20 صفحه 7، مقنع: ینابیع جلد 20 صفحه 14 ذیل عده مفقود، هدایه صدوق: ینابیع جلد 20 صفحه 21، مقنعه: ینابیع جلد 20 صفحه 32، 33 و 34 در احکام مختلف 4 ماه و 10 روز ذکر کرده است، انتصار: ینابیع جلد 20 صفحه 65، نهایه: ینابیع جلد 20، صفحه 114 در فروع مختلف این 4 ماه و 10 روز را ذکر کرده است، مراسم: ینابیع جلد 20 صفحه 123، مهذّب: ینابیع جلد 20 صفحه 176، 177 و 178. من تا این‌جا را فرصت کردم نگاه کنم و همه به 4 ماه و 10 روز تصریح می‌کنند. از این‌ها بالاتر عبارت محقق حلی در شرایع است. ایشان می‌فرماید: **تعتد الحرة المنکوحة بالعقد الصحیح أربعة أشهر و عشرا إذا کانت حائلا صغیرة کانت أو کبیرة بالغا کان زوجها أو لم یکن دخل بها أو لم یدخل** بخش مورد نظر من ذیل آن است: **و تبین بغروب الشمس من الیوم العاشر لأنه**

**نهایة الیوم**.[[8]](#footnote-8) تصریح می‌کند که منتهای عده پایان روز است.

**لیالی به معنای شبانه روز**

به نظر می‌رسد که مراد از لیال در آیه قرآن شبانه روز است و چیزی که ملاک در عده است شبانه روز است و مراد از یوم نیز شبانه روز است. البته کلام محقق را نمی‌گویم. در کلمات فقهای قبلی مراد از یوم شبانه روز بوده است و ملاک عده شبانه روز است. گاهی یوم در مقابل لیله و لیله در مقابل یوم به کار می‌رود.

به این معنا شیخ طوسی; در تبیان تصریح کرده است و شبیه آن در مجمع البیان و جاهای دیگر هم هست. مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید: فان قیل کیف قال و عشراً بالتأنیث اگر عدد مذکر باشد معدودش مؤنث است و اگر عدد مؤنث باشد معدودش مذکر است. چون این جا عشر تای تأنیث نگرفته است یعنی معدود را مؤنث فرض کرده است. **کیف قال و عشراً بالتأنیث و إنما العدة علی الأیام و اللیالی.** عده خصوص لیالی نیست و هم ایام است و هم لیالی، یعنی شبانه روز است. ایشان می‌فرماید لیله به اعتبار این است که آغاز شبانه روز است. عربی با فارسی فرق دارد. در فارسی چون تقویم شمسی است و خورشید ملاک است، روز در عرف فارسی از طلوع شمس شروع می‌شود و شب ملحق به روز قبل است. اما در عربی روز ملحق به شب قبل است زیرا ملاکشان هلال است. به نظرم ابوریحان در قانون مسعودی تصریح کرده و مرحوم مجلسی این را از قانون مسعودی آورده که بین عرب و عجم فرق است و عرب‌ها لیله را مال روز بعد و عجم‌ها لیله را برای روز قبل می‌دانند. آیه قرآن به زبان عربی نازل شده است و با آن ادبیات صحبت کرده است. مرحوم شیخ می‌فرماید: **فان قیل کیف قال و عشراً بالتأنیث و إنما العدة علی الأیام و اللیالی، و لذلک لم یجز أن تقول: عندی عشر من الرجال و النساء. قیل لتغلیب اللیالی علی الأیام إذا اجتمعت فی التاریخ، و غیره، لأن ابتداء شهور الأهلة اللیالی منذ طلوع الهلال فلما کانت الأوائل غلبت** الاوائل خبر کانت است یعنی فلما کانت اللیالی الاوائل غلبت، یعنی غلبت اللیالی، **لأن الأوائل أقوی من الثوانی**.[[9]](#footnote-9) تصریح بر این است که روز مجموعه شبانه روز است و جزء اول آن شب و جزء دومش روز است و نام اولی را برای مجموعه گذاشته‌اند.

فقه القرآن راوندی هم عین همین عبارت را آورده است که در ینابیع جلد 20 صفحه 214 ذکر شده است. همین مضمون در مجمع البیان با این عبارت آمده است: **و إنما قال و عشرا بالتأنیث تغلیبا للیالی علی الأیام إذا اجتمعت فی التاریخ لأن لیلة کل یوم قبله کما قیل لخمس بقین و قد علم المخاطب أن الأیام داخلة مع**

**اللیالی.**[[10]](#footnote-10) ایام هم داخل در لیالی است و مراد از لیالی مجموعه شبانه روز است. مرحوم صاحب جواهر و افراد دیگر هم مطالبی دارند.[[11]](#footnote-11)

**و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین**

محققین گرامی می‌توانند همه روزه دروس استاد (حفظه الله) را در کانال‌های ذیل پیگیری نمایند.

(فقه) https://telegram.me/mjshobeiri

(اصول الفقه) https://telegram.me/mjshobeiri2

محققین گرامی؛ شما می­توانید انتقادات و پیشنهادهای خود نسبت به دروس روزانه را با شماره 09123519358 در میان بگذارید.

1. سوره بقره، آيه 240.

﴿وَ الَّذينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً وَصِيَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْراجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ في‏ ما فَعَلْنَ في‏ أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَ اللَّهُ عَزيزٌ حَكيمٌ﴾ [↑](#footnote-ref-1)
2. جامع احادیث الشیعة، سیدحسین بروجردی، ج27، ص274.

 ح40651: يب ١٦٠ ج ٨ - سعد عن محمد بن أبي الصهبان عن الحسن ابن علي بن فضال عن عبد الله بن بكير عن محمد بن مسلم قال ليس لأحد ان يحد أكثر من ثلاث الا المرأة على زوجها حتى تنقضى عدتها. [↑](#footnote-ref-2)
3. گاهی که افرادی به مدت طولانی لباس مشکی میپوشند خیلی برایم سخت است زیرا این روایت تصریح می کند که بیشتر از سه روز حق حداد وجود ندارد. [↑](#footnote-ref-3)
4. جامع احادیث الشیعة، سیدحسین بروجردی، ج27، ص274.

ح40652: يب ١٦١ ج ٨ - أحمد بن محمد بن عيسى عن أبي يحيى الواسطي عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله7 قال يحد الحميم على حميمه ثلاثا والمرأة على زوجها أربعة أشهر وعشرا. [↑](#footnote-ref-4)
5. جامع احادیث الشیعة، سیدحسین بروجردی، ج27، ص274.

 ح40653: العوالي ٢٨٦ ج ٢ - قال النبي9 لا يحل لامرأة تؤمن بالله واليوم الآخر ان تحد لميت أكثر من ثلاثة أيام الا على زوج أربعة أشهر وعشرة أيام. [↑](#footnote-ref-5)
6. تفسیر التبیان، شیخ طوسی، ج2، ص278.

 هذه الآية منسوخة الحكم بالآية المتقدمة، و هي قوله: «وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً» بلا خلاف في نسخ العدة إلّا أبا حذيفة، فانه قال: العدة أربعة أشهر و عشراً، و ما زاد الى الحول يثبت بالوصية و النفقة، فان أمتع الورثة من ذلك كان لها أن تتصرف في نفسها، فأما حكم الوصية، فعندنا باق لم ينسخ و إن كان على وجه الاستحباب‏ [↑](#footnote-ref-6)
7. پاسخ سؤال: وجوب این با ادله میراث منافات دارد. خیلی مستبعد است که واجب باشد و هیچ روایتی در ذیلش نیاید اما اگر مستحب باشد خیلی منافات ندارد که روایت نیامده باشد. هیچ روایت صریحی نیامده که این حق وجوبی وجود دارد و هیچ فتوایی هم در موردش نیست و آن هم که هست کلام شیخ طوسی; در تبیان است که فرموده ایصاء مستحب است. ظاهر ادله میراث هم این است که مالکیت به آنها منتقل میشود و اینکه بگوییم مالکیت منتقل میشود و از آن طرف واجب است که به زن سکنی و نفقه بدهند، یعنی تخصیصی در ادله دال به الناس مسلطون علی اموالهم قائل شویم که به ادلهای قویتر از این آیه نیاز دارد.

پاسخ سؤال: ناظر به ازدواج کردن است. مفروض آیه شریفه این است که زنی که شوهر نکرده و در خانه شوهر مانده است حق متاع، نفقه و سکنی دارد و میتوان به آن ملتزم شد. مرحوم آقای خویی وصیت را به معنای ایصاء میت دانسته است ولی ما گفتیم ظاهر آیه ایصاء میت نیست بلکه وصیة من الله است. وقتی وصیة من الله باشد، یک حق استحبابی برای زوجه در استفاده یک ساله از خانه و نفقه وجود دارد به این شرط که از خانه خارج نشود و ازدواج نکند و الا اگر ازدواج کند و از خانه خارج شود دیگر این حق وجود ندارد.

پاسخ سؤال: فان خرجن فاء تفریع و ترتیب ذکری است. میفرماید حق اخراج ندارید. وقتی میفرماید اخراج نکنید، موضوع دیگری به ذهن مخاطب خطور میکند که اگر خودش خارج شد چه؟ میفرماید اگر خودش خارج شد مسئله دیگری دارد. این از همان مواردی است که از ما قبل فاء تصور این مسئله به ذهن مخاطب میآید و انتظار پاسخگویی دارد و فاء ذکر میشود.

پاسخ سؤال: اگر بعد از این که از خانه خارج شد خواست ازدواج کند به شما ربطی ندارد و شما مسئولیت ندارید که تحقیق کنید این ازدواج خوب است یا بد. نوعی اولیای عرفیه وجود دارد مانند برادر این زنی که شوهرش از دنیا رفته است و به او میفرماید شما کاری نداشته باشید که میخواهد ازدواج کند. اگر عقیده شما این است که این ازدواج به ضررش است بگذارید ازدواج کند و مصلحت اندیشی در حق این زن به عهده شما نیست و خودش برای خودش تصمیم میگیرد. البته در صورتی که شرعاً نمیتواند ازدواج کند مثل این که مردی چهار زن دارد و او میخواهد زن پنجمش شود، باید جلویش را بگیرید. این جا از لحاظ شرعی ازدواج کردن آن زن معروف یعنی علی الوجه المجاز الشرعی نیست.

پاسخ سؤال: این وصف محقق موضوع است. وقتی در خانه مینشینند میخواهند ازدواج نکنند و حرمت شوهرشان را رعایت میکنند یعنی اگر کسی میخواهد ازدواج کند دیگر در خانه شوهرش نمیماند. وقتی در خانه شوهر میماند ملازمه عرفی دارد با این که ازدواج نکند. اگر خودش خارج شد بالملازمه استفاده میشود که مانعی ندارد و حتی نسبت به رفتارهای بعدی او هم وظیفهای ندارید. این که مقاتل و سدّی گفتهاند بعد از خروج دیگر حق نفقه و سکنی برقرار نیست درست است. اگر قرار بود که نفقه لازم باشد باید ذکر میکرد. سکوت از ذکر نفقه برای بعد به این معنی است که دیگر نفقه لازم نیست. [↑](#footnote-ref-7)
8. شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج3، ص27.

تعتد الحرة المنكوحة بالعقد الصحيح أربعة أشهر و عشرا إذا كانت حائلا صغيرة كانت أو كبيرة بالغا كان زوجها أو لم يكن دخل بها أو لم يدخل.و تبين بغروب الشمس من اليوم العاشر لأنه نهاية اليوم. [↑](#footnote-ref-8)
9. تفسیر التبیان، شیخ طوسی، ج2، ص263.

فان قيل كيف قال و عشراً بالتأنيث و إنما العدة على الأيام و الليالي، و لذلك لم يجز أن تقول: عندي عشر من الرجال و النساء. قيل لتغليب الليالي على الأيام إذا اجتمعت في التاريخ، و غيره، لأن ابتداء شهور الأهلة الليالي منذ طلوع الهلال فلما كانت الأوائل غلبت، لأن الأوائل أقوى من الثواني و قال الشاعر: أقامت ثلاثاً بين يوم و ليلة/ و كان النكير أن تضيف و تجأرا. معنى تضيف تميل و حكى الفراء: صمنا عشراً من شهر رمضان و لو أضاف الى الأيام فقال عشرة أيام، لم يجز إلا التذكير، و إنما جاز في الأول لأنه بمعنى عشر من رمضان وقع العمل في نهاره. [↑](#footnote-ref-9)
10. مجمع البیان، الشیخ الطبرسی، ج2، ص590.

و إنما قال و عشرا بالتأنيث تغليبا لليالي على الأيام إذا اجتمعت في التاريخ لأن ليلة كل يوم قبله كما قيل لخمس بقين و قد علم المخاطب أن الأيام داخلة مع الليالي و أنشد سيبويه: فطافت ثلاثا بين يوم و ليلة/ يكون النكير أن تضيف و تجارا. [↑](#footnote-ref-10)
11. پاسخ سؤال: تبیان در ادامه همین بحث را مطرح میکند که تغلیب مذکر بر مؤنث همیشگی نیست. گاهی مذکر بر مؤنث تغلیب پیدا میکند و گاهی مؤنث بر مذکر. یک منشأ تغلیب، تغلیب مذکر بر مؤنث است و منشأ دیگر تغلیب، تغلیب اوائل بر ثوانی است. گویا منشأ دوم بر منشأ اول مقدم دانسته شده است. [↑](#footnote-ref-11)